



حق تعیین سرنوشت
حق مسلم خلقهاست

پیکار کردستان



بها ۲۵ ریال

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - کمیته کردستان

۵۹۹/۱۵

نظاهارات ۱۵۰۰ نفری دانش آموزان سقز

۱۲۰ نفر توسط پاسداران ارتجاع دستگیر شده اند



شیوه جدید هیئت حاکمه

قتل عام منظم زحمتکشان کرد

اخباری که میرسد حکایت از عمق جنایت و فاجعه دارد : در ایندرفاش ۴۶ نفر، صوفیان ۳ نفر، یوسفکند ۶ نفر و سروکانی ۱۲ نفر - به فجیعترین شکلی بدست حلالدان رژیم جمهوری اسلامی قتل شدند در خیمان آنها را بهرگیار گلوله بستند، چشمانشان را از حدقه در آوردند، و بدن بی جانان را تکه تکه کردند - مهاجمین پس از کشتار و غارت اموال و داروندار زحمتکشان روستاهای فوق خانها و انبارهای علوفه را به آتش کشید و از بین بردند و تلی از خاکستر برجای گذاشتند - این جنایات وحشیانه که بصورت قتل عام روستائیان بیگناه انجامی گیرد بی اختیار قتل عام تودمهای مردم توسط فاشیستهای هیتلری در جنگ بقیه در صفحه ۲

دفاع طلبان و جنبش مقاومت

- رزمندگان: آتش بس و مسئله ای بنام جبهه سوم
- راه کارگر : صلح پایدار و دفاع از مرزها

در تاریخ احزاب سیاسی همواره لحظاتی پیش می آید که آنها با پستی این یا آن اتفاق "غیر منطبق" در روند مبارزه طبقاتی و تغییر و تحولات اجتماعی را بسرعت تجزیه و تحلیل کرده و تاکتیک مناسب با آنرا اتخاذ کنند - در چنین لحظاتی است که جریانات مختلف واقعیت مشی و مواضع خویش را بطور آشکاره نمایش می دهند - در این بقیه در صفحه ۵

ضربات پیشمرگان پیکار بر پیکر نیروهای سرکوبگر رژیم

در تاریخ ۱۲ / ۸ / ۵۹ در مسیر جاده کامیاران - سنندج مین و یگانه دشمن (مرورید - مله کیو) و در نزدیکی آبادی "بوانه" یک دسته از پیشمرگان قهرمان سازمان پیکار (دسته شهید مسعود) به کمین نیروهای دشمن نشستند در ساعت ۲۰ و ۵ دقیقه بعد از ظهر یک جیبی فرماندهی ارتش با پنج سرنشین مورد حمله قرار گرفته و یکی در راه

کوبیده شد که بعد از طی مسافتی متوقف گردید در همین اثنا یک تانک روسی حامل جاشوها سد ارک در پی جیب ارتشی در حرکت بود توسط پیشمرگان متوقف گردید که چون جای هیچگونه گریزی نداشتند میخواستند تسلیم شوند ولی به علت اینکه تنی چند از آنان قصد مقاومت و مقابله با بقیه در صفحه ۸

حزب دمکرات
در دفاع از مالکین
صفحه ۱۷

مهاباد : مبارزه و مقاومت توده ها همچنان ادامه دارد

صفحه ۱۱

جاشهابه جان هم افتاده اند
صفحه ۱۶

حملات گسترده پیشمرگان کومه له به مزدوران رزگاری

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران

سر مقاله ...

دوم جهانی، تروریستهای صهیونیست در فلسطین (دیرپاسین لومیرالیست های آمریکائی رادرویتنام) می لای (در خاطرهما زنده میسازد جنایت هائی که نشانند هند ما هیتارتجای رزیم و عاملین این کشتارهاست، که در سرکوب خلق کردو تودهای ستمیده ایراناز هیچ وحشیگری و درند خوئی فروگذار نکرد و نمی کنند.

رزیم جمهوری اسلامی که اینک درگیر جنگ با رزیم ضد خلقی بعث عراق است، در هفته های اخیر همراه با تشدید جنگ، برکشتار تودهای خلق کرد افزود است. امروز سیاست سرکوب رزیم، بصورت گوناگون در سراسر کردستان پیاده میشود، روستاهای منطقه مردشت چون "میرآوا" و "اوان" و "رابا" فانتومهای آمریکائی میکوبد روستاهای منطقه کامیاران را، خمپاره باران میکند. در شهرها موج خفقان، ترور و اعدام راه انداخته است، و اینک در منطقه نرده، شهر ویران و پیرانشهر به قتل عام روستائیان بیدفاع کرد دست میزند. این سیاست کل رزیم بوده و جناحهای مختلف آن بر سر سرکوب خلق کرد و سایر تودها "میثاق وحدت بسته اند. اما آنچه که این قتل عامها را، ویژگی میبخشد، شکل اجرا و اهدافی است که عاملین آن بدنبالش هستند. این شکل از سرکوب سیاست

و عملکرد باندهای معینی از حزب جمهوری اسلامی است که در اتخاذ اشکال و شیوه های سرکوب "ملاحظه کار" برادران کبیرال خود را ندانند سیاستهای این باندها در آذربایجان غربی بوسیله افرادی چون "ملاحسنی" (امام جمعه نماینده مجلس شورا) و "معبودی" (ساواکی سابق زمیندار بزرگ منطقه نرده) نمایندگی و اجرا

میشود.

آنها عاملین اصلی برپائی جنگ نرده، قبل از نوروز ۵۸ و کشتارهای روستاهای "قارنا" و "قلاتان" بودند و اینک در شرایطی که جنگ ارتجاعی رزیم و عراق در جریان است، وانکار عمومی تودهای خلق متوجه اخبار و حوادث جنگ و فشار اقتصادی بار سنگین ناشی از آن می باشد، از فرصت استفاده کرده، منظم و با برنامه دست به قتل عام تودهای کرد میزنند. هدف این قتل عامها ایجاد رعب و وحشت در میان روستائیان کرده است تا به این وسیله با ترساندن زحمتکشان کرد، آنها را به عدم حمایت از پیشمرگان جنبش مقاومت وادار سازند.

"ملاحسنی" کمدر میان تودهای ناآگاه، توهم زده ترک نفوذ دارد، توانسته است با استفاده از موقعیت خود، جنگ تبلیغاتی وسیعی بر علیه جنبش مقاومت خلق کرد بر راه اندازد. اوسعی میکند احساسات تودهای ترک را به بازی گرفته، جنگ میان خلق کرد و رزیم را جنگ شیعه و سنی و ترکو کرد نشان دهد بدینوسیله تودهای ترک را بر علیه خلق کرد بسیج نماید. متأسفانه در اجرای این سیاست ننگین تا حدودی نیز موفق بوده است. بطوریکه در شهر نرده بسیاری از "ترکها" مسلحند و در کمیته های نقد و یاد ر بسیج مستضعفین فعالیت میکنند، و عملاً بصورت مجریان سیاستهای عمال رزیم چون ملاحسنی و معبودی درآمد ماند.

تبلیغات عوام فریبانه رزیم و عمالش چون ملاحسنی ها، ذهن اهالی ترک منطقه را با ایدمهای مسموم ناسیو-نالیستی و تعصبات مذهبی آغشته است و مانع تشخیص حقایق از جانب آنها میشود. رزیم از "پاک نیتیسی" تودها سوء استفاده میکند و آنها را به جنگ برادر کنشی می کشاند. نا-

آگاهی تودها از طرز رزیم بصورت سلاحی برضد همبستگی و اتحادشان بکار گرفته میشود و به این ترتیب تخم کینه و نفرت در دل زحمتکشان ترک و کرد بارور میشود.

اما آنچه که در تحلیل این نوع شیوه سرکوب از طرز رزیم میبایست مورد توجه قرار گیرد، اینست که دشمن دچار ضعف وزبونی است امیری که در جریان دو دوره جنبش مقاومت به اثبات رسیده است. هیئت حاکمه در جریان جنبش مقاومت از اینکه نتوانسته است جنبش خلق کرد را سرکوب کند، چون مار زخم خوردن های به خود می پیچد. از اینروستکه بر سرکوب خلقی افزایش سیاست تشدید سرکوب سیاست "میثاق وحدت" و جناح اصلی رزیم یعنی "لیبرالها" و حزب جمهوری اسلامی است. لیکن "لیبرالها"، کم سیاست "جماق و نان شیرینی را بخوبی آموخته اند از چنین شکست سرکوبی ناراضی اند و از آن در مبارزه بر علیه حریف خود.

حزب جمهوری اسلامی استفاده خواهند کرد، در حالیکه خود فرمان مباران و خمپاره باران روستاهای کردستان را امضا میکنند.

البته عکاس این سیاست در جنبش مقاومت خلق کرد و نیروهای سیاسی آن چیست؟ در برابر این حرکات رزیم در منطقه دو سیاست و دو تاکتیک یکی انقلابی و دیگری ضد انقلابی، خود را نشان میدهد. نیروهای انقلابی و کمونیست معتقدند که در اتخاذ تاکتیک مناسب میبایست اساسی را برد و عامل قرار داد، مقاومت تودها و برادری خلقها، حقانیت جنبش مقاومت و عادلانه بودن آن در این است که نه فقط برای حق تعیین سرنوشت خود مبارزه میکند، بلکه جزئی از مبارزه دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران است. و به این بقیه در صفحه ۱۸

تظاهرات ۱۵۰۰ نفری دانش آموزان سقز

مبارزه و مقاومت خلق کرد بر علیه هیئت حاکمه ضد خلقی و ارگانهای سرکوبگر آن به اشکال مختلف ادامه دارد. تظاهرات اخیر دانش آموزان مبارز سقز جلوه ای از این مبارزه است. تظاهرات به این ترتیب آغاز گشت که دانش آموزان مبارز سقز پس از دو روز تجمع در رابطه با بازگشایی مدارس و برگزاری امتحانات تجدیدی دست به یک راهپیمایی زدند. روز ۱۰/۹ تعدادی از دانش آموزان که تعدادی از هواداران جریکهای (اکثریت) نیز در میان آنها بودند در جلو آموزش و پرورش اجتماع نموده و خواهان باز شدن مدارس گردیدند. روز بعد تعدادی دیگر از دانش آموزان در رابطه با امتحانات تجدیدی و اعتراض به نتایج امتحانات در همان محل گرد آمدند. بعد از بحث و افشاگری هواداران پیکار و کومه حرکتی سیاسی و اعتراضی بر روی محور بازگشایی مدارس شروع به شکل گرفتن نمود. هواداران (اکثریت) با تهیه توماری با ۱۴۰ امضا و تأیید جمهوری اسلامی و رهبری امام خمینی سعی نمودند حرکت اعتراضی را در محدوده صنفی و فرمیستی نگه داشته و مانع از آن شوند که این حرکت به یک اعتراض گسترده سیاسی علیه رژیم تبدیل گردد. اما کار مشکل و فعالانه دانش آموزان

انقلابی منجر به راهپیمایی اعتراضی روز بعد (۱۱/۱۰/۵۹) از محل آموزش و پرورش به سوی میدان "هه لو" گردید. دانش آموزان در مسیر خود با دادن شعارهایی همچون "مدارس سنگر افشاکاری"، "مرگ بر آمریکا سرگ بر ارتجاع" تنفر خود را از رژیم ضد خلقی و امپریالیسم آمریکا نشان دادند و مورد استقبال وسیع توده ها قرار گرفتند. در میدان "هه لو" به هنگام خواندن قطعنامه دانش آموزان که بیش از ۱۵۰۰ نفر بودند و اکثریت آنان را دانش آموزان دختر تشکیل میدادند، مورد هجوم جاشها مزدور و پاسداران ارتجاع قرار گرفتند. در این هجوم سرکوبگران خلق دست به تیراندازی زمینی و هوایی زدند که منجر به زخمی شدن ۳ نفر گردید. پاسداران با کمک زدن و وحشیانه دانش آموزان و در حالیکه بیشرمانه آنان را "ستون پنجم" و "ضد انقلاب" و ۱۲۰ نفر را دستگیر نمودند، که در همان محل مورد اعتراض مردم قرار گرفتند. روز بعد پاسداران سقز در توجیه اعمال ارتجاعی خود اعلامیه ای صادر نمودند که در آن خود را "مرجع نهایی حل مشکلات اجتماعی" (حتما بسزور جماق و ژوژ) دانسته و هرگونه تظاهرات عریضه را شرایط جنگ بیفعل آمریکا

خوانده است (گوئی قبل از جنگ تظاهرات آزاد بوده است و اینسان دست به سرکوب هر حرکت اعتراضی نمی زدند!) در این اطلاعیه سبأ پاسداران تهدید کرده است که "جلوی هرگونه تظاهرات را خواهد گرفت و با دستگیرشدگان یسند ترفار خواهد نمود." گوئی این جنبش دانش آموزی و بویژه در شهر سقز نبود که چه در جریان جنبش مقاومت اول و چه اکنون با رها با سرکوب خونین تیرباران و زندان روبرو بوده است. دانش آموزان مبارز سقز تاکنون دهها شهید، دهها آذرگنسیب، دهها عظام طایفی و ۵۰۰۰ در راه آزادی زحمتکشان فدا نموده اند. این بار نیز از دستگیری، زندان و اعدام و همه ایندارند رژیمهای ضد خلقی از جمله رژیم شاه خائن هم ادعا می نمود که "جلوی هرگونه تظاهرات را خواهد گرفت" ولی خشم توده ها همچون رستکی آنرا درهم کوبید. جمهوری اسلامی نیز چنین ادعایی را مینماید و بی تردید سرنوشتی بهتر از آن رژیم نخواهد داشت. در ادامه اعلامیه "پاسداران" آمده است که "چه میشود که جوانان سقز یکسال ویا ۱۰۰۰ (خدا میداند چند سال!) درس نخوانند و حداقل کمک را به این وسیله به انقلاب بکنند." آری این "انقلاب" (بخوان ضد انقلاب) که این مرتجعین منادی آن باشند لازمه

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

اش عدم آگاهی توده ها وابسته شد
مدارس، این سنگرهای آزادی است.
سیاه پاسداران در اعلامیه شان
دلایل بستن مدارس را چنین گفته اند
"چنانکه اطلاع دارید آموزش و
پرورش منطقه در ابتدای بازگشائی مدارس
راهنمائی اعلام عدم برگزاری امتحانات
تجدیدی را نموده بود و دبیرستان راتا
پاکسازی کامل از عناصر وابسته به از
نخواهد نمود." منظور پاسداران از
"عناصر وابسته" همان معلمان و
دانش آموزان انقلابی هستند که در جهت
آگاهی و دفاع از منافع خلق مبارز می
کنند. اما این خود بهانه ایستبرای
اینکه امکان تجمع دانش آموزان دبیرستان
را که از آگاهی بالاتری برخوردارند
را بگیرد. رژیم و سپاه پاسداران هم
از همین تجمع متوحشند زیرا میدانند
که تجمع دانش آموزان انقلابی به
تظاهرات سیاسی و افشاگری علیه رژیم
بدل خواهد شد. از این جهت وظیفه
همه دانش آموزان انقلابی سقز و همچنین
دانش آموزان سایر شهرهای کردستان
میباشد که با پشتیبانی فعال خود و با
کار افشاگرانه وسیع و با اشکال دیگر
مبارزه باز جمله تظاهرات، موجبات
آزادی محصلین زندانی را فراهم نمایند
بر طبق آخرین اطلاعات، رسیده عدد
زیاد از بستگان دانش آموزان زندانی
روز پنجشنبه ۱۳/۹ در جلوی مقرر
سیاه پاسداران تجمع نموده و خواهان
آزادی دانش آموزان زندانی شده بودی
پاسداران ارتجاع برای پراکنده نمودن
مردم نارنجکی به میان آنان پرتاب نموده
که منجر به شهادت یلغزن و یلغی سرجه
و همچنین زخمی گردیدن دوزن شده

است. خانواده های زندانیان ورزشی
شدگان اعتراض را به نقاط دیگر شهر
گسترش داده و در همه جا از پشتیبانی
وسیع مردم برخوردار شده اند.
در رابطه با تظاهرات افشوق و برای
موفقیت هر چه بیشتر جنبش دانش
آموزی، لازم می دانیم توجه دانش
مبارز را به چند نکته جلب نمائیم:

۱- دانش آموزان انقلابی میبایستی
توجه داشته باشند که در شرایط فعلی
هر خواست صنفی را میبایست به
خواست سیاسی ارتقا داد و تلاش نمود
تظاهراتی را که بر مبنای خواستهای
صنفی شروع میگردد به تظاهرات سیاسی
بدل نمود. روزیونیستهای رنگارنگ
("اکثریت"، "توده" و "و") کوشش
مینمایند میازرات دانش آموزی را در
محدوده صنفی و قابل قبول برای رژیم
نگهدارند. باید چنین کوششهایی
را افشا کرده مبارزه صنفی را به مبارزه
سیاسی ارتقا داد و تلاش کرد که
مبارزات سیاسی مستقل را سازمان
بدهند.

۲- در تظاهرات باید شعارهایی
را مطرح نمود که نه تنها مبین خواست
های صنفی و سیاسی دانش آموزان باشد
بلکه خط فاصل ما را با روزیونیستها
و سازشکاران، خط فاصل انقلاب و ضد
انقلاب را نیز روشن ترسیم نماید
میبایست سعی کرد شعارهایی را
انتخاب نمود که از نظر محتوی و حتی
شکل با شعارهای روزیونیستها مشابه
نباشد. شعاریمانند "مرگ بر آمریکا
مرگ بر ارتجاع" و یا "دانش آموز میزومد
ارتجاع میلرزد" و همچنین شعارهایی
در باره جنگ ارتجاعی اخیر که میتوان
از نشریات سازمان بدست آورد شعار
دهند.

۳- افشا و طرد سیاست و برنامه
روزیونیستها بعنوان یک محور تبلیغی
ترویجی میبایست همیشه در دستور
کار باشد تا آن دسته از هواداران صادق
آنها را بتوان سمت نیروهای انقلابی
و خط انقلاب سوق داد.

۴- بیشترین تعداد دانش آموزان
باید در هر تظاهرات شرکت نمایند و
این میسر نخواهد بود مگر با کار فعالانه
و برنامه معین و پدید آمدن آن به میان وسیع
ترین توده های دانش آموزی. خواست
های تظاهراتی و شعارهای آن بایستی
در میان توده های هر چه بیشتری از
دانش آموزان تبلیغ شود تا تظاهراتی
هر چه گسترده تر علیه رژیم انجام گردد
۵- جنبش دانش آموزی باید ونباید
جنبش زحمتکشان نمیتواند تداوم و عمق
پیدا نماید. بنابراین شعارها و
خواستهای آن باید در میان زحمتکشان
شهر تبلیغ گردد تا توده های وسیع
خلق فعالانه از آن پشتیبانی و حمایت
نمایند. تظاهرات میبایستی به محل
تجمع توده ها کشانیده شود.
پس بطور خلاصه، گسترش مبارزات
سیاسی و ارتقا، مبارزات صنفی به سطح
سیاسی، ترسیم خط فاصل
روزیونیستها و افشا و طرد آنان، شرکت
فعال، با برنامه، با شعارها و سازماندهی
مناسب توده ای کردن هر چه بیشتر
مبارزه و کشاندن آن به میان زحمتکشان
و این است آنچه دانش آموزان انقلابی
در ادامه همه جانبه مبارزه خود و
دفاع از جنبش مقاومت بایستی انجام
دهند.

دفاع طلبان و جنبش مقاومت

مواقع است که جریان‌های مختلف واقعیت‌های و مواضع خویش را بطور آشکار به نمایش می‌گذارند. در این لحظات گرایش‌های موجود در تفکر حاکم بر هر جریان در شرایط عادی، بشکل برجسته و پررنگ خود را در موضع و شعارهایی که این جریان در این لحظه مطرح می‌سازد به عیان نشان می‌دهند. شعارهایی که چه بسا نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری و سرنوشت این جریان بازی کنند.

اکنون نیز در لحظه حساسی از روند مبارزه طبقاتی و تفکیرو تحولات در جامعه مان قرار داریم. انعکاس جنبش میان‌رزمی جمهوری اسلامی و رژیم عراق که ظاهراً ناگهانی و غیره مرتبه بود در مواضع اتخاذ شده توسط نیروهای مختلف جنبش کمو-نیستی، عمق گرایش‌های موجود در نقطه نظرات و تفکر حاکم بر آنها را در تحلیل‌ها و شعارهایشان با روشنی نشان داده و سمت حرکت آنها را تا حدود زیادی تعیین نموده است.

در اینجا مایه کوشش مواضع نیروهای که در جنگ اخیر موضع دفاع طلبی اتخاذ کرده‌اند را نسبت به مبارزه خلق کرد و حرکت هیئت حاکمه در کردستان در شرایط کنونی با توجه به نکات فوق مورد بر-

رسی قرار داده و نشان دهیم که چگونه نتیجه محتمل "دفاع طلبی" در رابطه با جنگ ایران و عراق، ارائه ترفیقای سازشکارانه در قبال مبارزه خلق کرد، تبلیغ سازش طبقاتی در کردستان و دامن زدن به توهم توده‌ها نسبت به هیئت حاکمه و در نهایت خدمت به بورژوازی است. در این جهت، مواضع "رزمندگان" و "زاماگرگر" را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

رزمندگان

و مسئله‌ای بنام "جبهه سوم"

سازمان رزمندگان در شماره ۲۲ نشریه خود در مقاله‌ای تحت عنوان "آتش‌بس در کردستان به نفع خلق‌های ماست" بعد از مقداری وقایع نگاری و توصیف ادامه سرکوب خلق کرد توسط نیروهای سرکوبگر رژیم در شرایط جنگ ایران و عراق، از مواضع خویش اعلام می‌دارد: "با وجود آنکه خلق قهرمان کرد آماده است تا برای جلوگیری از تجاوز ارتش بعث عراق همه توان و قدرت خود را به کار اندازد و توانایی آنرا هم دارد که برخلاف نیروهای ارتشی و پاسدار که شهر قصر شیرین را در حالت فرار ترک کرده و منهنم شده‌اند، کاملاً در مقابل نیروهای متجاوز بعث عراق ایستادگی کند و... با وجود آنکه دولت جمهوری اسلامی اعلام کرده است که شهرهای سر-

دشت و بانه توسط عراق بمباران شده‌اند و... با وجود همه اینها ارتش و سایر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی شهرهای کردستان و در حال حاضر مهاباد را وحشیانه به توپ می‌بندد و مردم را کشتار و با تر میان کوهها سرگردان کرده‌اند" و سپس ادامه می‌دهد "دشمنی هیئت حاکمه با خلق کرد بیشتر است تا با رژیم بعث متجاوز عراق. به این دلیل است که به جای گشودن جبهه سوم بر علیه متجاوزین عراقی در کردستان، به جای اینکه اعلام آتش‌بس نماید و جنگ با خلق کرد را خاتمه دهند (!) همچنان به محاصره اقتصادی نظامی و کشتار خلق کرد ادامه می‌دهد (تاکیدات باد و خط از ما و با یک خط از خود رژیمندگان است).

نقل قول فوق که جوهر مقاله و دیدگاه امروز رزمندگان را نسبت به مبارزه خلق کرد و حرکت رژیم نشان می‌دهد اولاً رابطه میان رژیم جمهوری اسلامی و خلق کرد را که رابطه‌ای است میان انقلاب و ضد انقلاب مخدوش کرده و این نتیجه را القا می‌نماید که گویا منافع مشترک میان هیئت حاکمه و خلق کرد وجود دارد و ثانیاً در مقابل جنبش مقاومت نه ادامه مقاومت و مبارزه، بلکه توقف یا تخفیف آن و همسوس شدن و در یک جبهه قرار گرفتن با رژیم قرار می‌دهد.

رزمندگان رابطه میان انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش میکند، زیرا

دفاع طلبان و...

واقعیت را بطنه موجود میان خلق کرد و رژیم حاکم که رابطه ایست خصمانه و آشتی ناپذیر و به همین دلیل بصورت مقاومت و مبارزه خلق کرد علیه هیئت مناکمه تجلی یافته است را وارونه جلوه می دهد "رزمندگان" میگوید: "با وجود آنکه خلق کرد... آماده است... در مقابل رژیم عراق ایستادگی کند... ارتش... شهرهای کردستان را به توپ میزند" ، معنی این حرف اینست که خلق کرد "رابطه با جنگ ایران و عراق و برای شرکت در آن اعلام آمادگی کرده و حاضر به توقف یا تخفیف مبارزه خود علیه جمهوری اسلامی شده ولی" با وجود این " رژیم به سرکوب خود ادامه میدهد. در اینجا نه تنها واقعیت موجود در کردستان و موضع نیروهای سیاسی فعال در آن تحریف شده است بلکه این ایده به خواننده القا میشود که گویا رژیم بطور کلی قابلیت طبقاتی توجه به خواستهای خلق کرد و برآوردن آنها را دارد، و اگر چنین نمی کند امر تعجب انگیزی است. رزمندگان متعجب است که چرا رژیم حتی در شرایط جنگ با عراق به سرکوب خلق کرد ادامه میدهد.

وقتی دفاع طلبی به صلح طلبی

رویز و نهیستی تبدیل میشود

"رزمندگان" در این "تعجب" و در واقع متاثر از دیدگاه انحرافیست نسبت به ماهیت طبقاتی رژیم جمهوری

اسلامی، از یکطرف از رژیم بازخواست می کند که چرا خلق کرد را سرکوب می کند و "جبهه سوم" علیه رژیم عراق باز نمی کند، و از طرف دیگر به خلق کرد رهنمود میدهد که همسو و رکنار رژیم "جبهه سومی" را می کند، دچار "دفاع طلبی"

موجود به هیچوجه آماده اعلام - آتش بس تخفیف مبارزه علیه رژیم حاکم نیستند. توده های خلق کرد و نیروهای انقلابی فعال علیه رژیم آنگونه که "رزمندگان" قلمداد می کنند، دچار "دفاع طلبی"

● "رزمندگان" اولاً رابطه میان رژیم جمهوری اسلامی و خلق کرد را که رابطه ای است میان انقلاب ضد انقلاب مخدوش کورده و این نتیجه را القا می نماید که گویا منافع مشترکی میان هیئت حاکمه و خلق کرد وجود دارد و ثانیاً در مقابل جنبش مقاومت نه ادامه مقاومت و مبارزه، بلکه توقف یا تخفیف آن و همسو شدن و دربرگرفتن آن را قرار گرفتن با رژیم را قرار میدهد.

علیه رژیم عراق بوجود آورد البته اینکه در این میان "صف مستقل" چه شد و این "صف مستقل" در شرایطی که رژیم است که "جبهه سوم" را می گشاید دیگر چه مفهومی پیدا میکند، سئوالی است که "رزمندگان" بایستی پاسخگو باشد. "رزمندگان" در حالی که بیش از یکسال از سرکوب بی امان و خونین خلق کرد توسط رژیم جمهوری اسلامی میگذرد انتظار دارد که رژیم به همین سادگی اعلام آتش بس نماید و جنگ را با خلق کرد خاتمه دهد!!

واقعیت اینست که خلق کرد و نیروهای انقلابی فعال کردستان نه تنها به دلیل ماهیت ارتجاعی جنگسایان رژیم های ایران و عراق خواهان شرکت در آن نیستند بلکه اینک ضمن ادامه مبارزه و مقاومت علیه رژیم جمهوری اسلامی بعنوان دشمن اصلی آماده اند هرگونه تجاوز رژیم بعثت در کردستان را در هم بکنند) بلکه مشخصاً در شرایط کنونی و با وضع

نیستند و ماهیت جنگ را نه از زاویه "تهاجمی" و "تدافعی" بودن آن، بلکه بر اساس سیاستی که جنگ در ادامه آن بوجود آمده طبقاتی که جنگ را به پیش میبرند، ارزیابی می کنند، بنا بر این علیه آن موضع میگیرند و تنها راه مقابله با آنرا بسط و گسترش جنبش مقاومت میدانند. آنها از ادامه و حتی گسترش سرکوب (توجه شود به سلسله کشتارهایی که در روستاهای اطراف ارومیه ونقده انجام میگیرد) متعجب نیستند زیرا یکی از اهداف جنگ را بدرستی تشدید سرکوب انقلاب و نیروهای انقلابی توسط همین رژیم جمهوری اسلامی میدانند، امری که تمام نقاط ایران مصداق پیدا کرده است. بعلاوه... خلق کرد در تجربه خونین خود در یافته است که نمی توان با درخواست های عاجزانه و بانصیحت رژیم رابه دادن امتیاز و مثلاً اعلام آتش بس وادار نمود بلکه تنها گسترش جنبش

دفاع طلبان و...

و کشاندن رژیم به موضع ضعف است که آنرا به عقب نشینی و میدارد. گذشته از اینکه، حتی اگر رژیم در شرایطی تن به آتش بسپارد در آن شرایط نیز خلق کرد با توجه به توازن قوا و اوضاع عمومی جنبش و با شروط مشخص حاضر به قبول چنین آتشی خواهد بود.

اینها اصول ابتدایی و حقایق روشنی است که به سادگی توسط "رزمندگان" به فراموشی سپرده شده اند. فراموشی‌ای که نتیجه منطقی دغلتیدن "رزمندگان" به "دفاع طلبی" و تشدید گرایشات ریزیونیستی در آنهاست.

رزمندگان در گذشته چه می‌گفت؟

واقعیت اینست که "رزمندگان" گذشته آن نه چندان دور خود به این حقایق اعتراف داشت و بر آنها پای می‌فشرد. "رزمندگان" آنزمان که سازمان چریکها (اکتریت) در ادامه و تشدید گرایشات ریزیونیستی‌اش و تحت همین بهانه که خطر امپریالیسم آمریکا و تجاوزات عراق و عوامل پالیزیان وجود دارد به طرح شعار "صلح عادلانه" برای تحکیم "مبارزه ضد امپریالیستی" پرداخت و از هیئت حاکمه خواهان قطع سرکوب و برقراری "صلح" در کردستان شد در "بیک رزمندگان" در

برخورد به بیانیه مشترک سازمان چریکها (اکتریت) و حزب دمکرات نوشت: "۰۰۰ نه، سازمان چریکها فراموش نکرده بلکه در صلح جوی فقط یک اشتباه کوچک مرتکب شده و صلح

تنها میتوان در یکی از دو جنبه — جنگید یا در کنار کارگران و زحمتکش یاد رکنار دشمنان زحمتکشان ۰۰۰" (تاکیدات ازماست) بنظرمی رسد جملات فوق روشن

● "رزمندگان" در حالی کمیش از یکسال از سرکوبی بی‌امان و خونین خلق کرد توسط رژیم جمهوری اسلامی میگذرد انتظار دارد که رژیم به همین سادگی اعلام آتش بس نماید و جنگ را با خلق کرد "خاتمه دهد"!!

را از بالا نیها از بنی صد رو فرو هر از کسانی که خودشان جنگ کردستل را براه انداخته اند خواستار است (تاکید ازماست) و بعد از مقدار ی توضیح ادامه میدهد: "می بینیم در هر دو حال این مقاومت جانبا زانه خلق کرد بود که هیئت حاکمه را وادار به صلح و مذاکره کرده و نه صلح طلبی محافلی از هیئت حاکمه ۰۰ آیا صلح با قبول استقرار یاسداران و ارتش با قبول بازس گرفتن همه گونه آزادی

های خلق کرد با قبول سرکوب مبارزک خلق کرد، می تواند مطلوب خلق کرد باشد و آیا هیئت حاکمه جزا این شرایط حاضر است به صلح تن دهد؟ تقاضای صلح از هیئت حاکمه بمعنی عقب کشاندن مبارزه خلق کرد و سعی در سازش بین خلق کرد و دشمنان خلق کرد و خلقهای سراسر ایران است."

صلح در کردستان تنها با مقاومت هر چه بیشتر خلق کرد و سازمانهای سیاسی آن در مقابل تهاجمات هیئت حاکمه میتواند برقرار گردد ۰۰۰ در تدابیر یک مبارزه و در نهایت

تراز آنست که احتیاج باشد باز هم به توضیح و تفسیر موضع اخیر "رزمندگان" بپردازیم. ولی ممکن است "رزمندگان" مطرح کنند که امروز اوضاع فرق کرده است و ایران مورد هجوم عراق و امپریالیسم قرار دارد و دیگر نمی توان مانند گذشته استدلال نمود هر چند چنین جوابی نیز نمی تواند توجیهی بر مواضع امروز "رزمندگان" و تغییر احکام "بیک رزمندگان" باشد. ولی با این حال به خود "رزمندگان" مراجعه می کنیم تا ببینیم حتی در صورت پیش آمدن چنین شرایطی "رزمندگان" در گذشته چه گفته است. در "رزمندگان" شماره ۱۵ در مقاله تحت عنوان "راه کارگرد دفاع از میهن یا مبارزه طبقاتی" در اوخر مقاله چنین میخوانیم "ما بعنوان افراد کمونیست و وظیفه داریم، توده هارا حول اساسی ترین مسائل، حول آن جریانی که راه را برای انقلاب و برای پایان بخشیدن به وضع موجود همواری کند بسپاریم، ما وظیفه داریم شرایط را

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

ضربات پیشمرگان پیکار بر پیکر نیروهای سرکوبگر رژیم

پیشمرگان را داشتند هدف رگباری امان پیشمرگان قرار گرفتند و کلیه سرنشینان آن کشته و زخمی شدند تعداد تلفات دشمن در این درگیری ۱۰ نفر کشته و بقیه بسختی مجروح شدند. بعد از حمله پیشمرگان در حالی که سرودی خواندند بیست و سه آرامی عقب نشینی نمودند و همدگی سالم به پایگاه خود بازگشتند. بعد از این حمله دشمن از پایگاه همای خود جادو مناطق اطراف را وحشیانه مورد حمله سلاحهای سبک و سنگین خود قرار داد و با این عمل عمق وحشت خود را از نیروهای مسلح خلق نشان داد در ضمن دشمن بعلاقمتر می از وجود پیشمرگان در محل درگیری زخمیهای خود را تا صبح روز بعد به حال خود گذاشته بود که دو تن دیگر از مزدوران نشان بر اثر خونریزی زیاد به هلاکت رسیدند. این مسئله نشان میدهد که این رژیم برای جان سرسپردگان خود نیز هیچ ارزشی قائل نیست.

کامیاران

بعد از دو روز متوالی در مسیر جاده سنندج - کامیاران یک دسته از پیشمرگان قهرمان سازمان پیکار دسته شهید امیر بین دو پایگاه هلنوشان و گاوشان به باز دید ما - شینهای مسافری می پردازند. سرانجام در تاریخ ۳۰ / ۸ / ۵۹ در ساعت ۲ بعد از ظهر یک دستگاه ماشین سیمرح مجهزه یک تیربار کالیبر ۵۱ و تعدادی زیادی مهمات به کمین پیشمرگان افتاد و زیر رگبار شدید پیشمرگان قرار می گیرد در اثر این حمله قهرمانانه کلیه سرنشینان آن کشته میشوند و کسی را نمانده آن که زخمی شده بود

موفق میشود ماشین را از کمین خارج کرده اما تلاشش بیفروده بود. ماشین در پیچ بعدی کمین به دوره سقوط می کند و پیشمرگان بعد از درگیری به باز دید ماشینها وحش اعلامیه و افشاگری می پردازند.

مریوان

۲۲ / ۸ / ۵۹ - بعد از ظهر این روز پیشمرگان سازمان پیکار (دسته شهید حسین و دسته شهید کریم) در جاده گاران به کمین جاشها و پاسداران نشستند سپس به سر جاده رفته و به کترین ماشینها و افشاگری برای مسافریین پرداختند. در طی بازرسی ماشینها یک کامیون خاور که حامل پانزده بشکه قیر و هزار متر گونی بود برای ساختن سنگر و مقر پاسداران به مریوان برده میشود. صادره گردید پس از تحقیقات لازم چون ماشین شخصی بود بار آن تخلیه شده و ماشین تحویل راننده گردید.



۱۲ / ۸ / ۵۹ - دو دستگاه پیشمرگان سازمان پیکار (دسته شهید حسین و دسته شهید کریم) ضمن جوله در منطقه گاران در روستای وشکین مقداری آرد و گندم یک جاش را صادره کرده و بین مردم آبادی تقسیم نمودند.

* خبرهای فوقی با کمی تغییر به نقل از اخبار جنبش مقاومت سنندج شماره ۳۳ می باشد

مهاباد

۲۹ / ۸ / ۵۹ در این روز پیشمرگان سازمان پیکار به کنترل جاده مهاباد میاندوآب پرداختند آنها ضمن بازرسی ماشینها به افشاگری در باره علل واقعی جنگ ایران و عراق جنایت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در

قتل عام روستاهای کردستان پرداخته و در باره اهداف عادلانه جنبش مقاومت برای مسافریین صحبت کردند. پیشمرگان سازمان در جریان این بازرسی ها، آنفراز عوامل وابسته به رژیم را دستگیر کردند ■



دفاع طلبان و ...

آنطور که هست بررسی کنیم. نه مانند اپورتونیستها این خائنین به انقلاب تا اولین جرقه از تغییر شرایط پدیدار گردید خود را بیازیم و فریب بر آوریم: ایها الناس همه با هم همه با هم حول مبارزه با امپریالیسم متحد شوید! ... نباید لحظه ای مبارزه توده ها را بر علیه هیئت حاکمه ضد انقلابی تخفیف داد بعکس تهدید انقلاب اینک از ناحیه همین هیئت حاکمه می باشد، هرگاه امپریالیسم به ایران تجاوز نماید که مامفلا آنرا بر سر کردیم، آنگاه ما هرگز امر کسب قدرت، امر انقلاب، امر مبارزه طبقاتی و رهبری پرولتاریا را بظهور عملی فراموش نخواهیم نمود" (تاکتیکات با یک خطاز ماستویاد و خطاز رزمندگان ولی متاسفانه اکنون "رزمندگان" از همه حرفهای فوق عدول کرده و همان موضعی را اتخاذ نموده که خود در بالا به آن می تازد: "رزمندگان" از "بالاترینها" تقاضای صلح می کنند. با تغییر شرایط، شعار همه با هم علیه امپریالیسم را سر میدهد، در حالیکه مسئله تجاوز امپریالیستی مطرح نیست (اگر مطرح بود چه میشد؟) و امر کسب قدرت، انقلاب و مبارزه طبقاتی را بطور عملی فراموش کرده است

بقیه در صفحه ۱۰

جوله (گشت سیاسی) پیشمرگان پیکار در روستاها

کار سیاسی و فعالیت آگاهگرانه یکی از محورهای فعالیت نیروهای انقلابی در کردستان می باشد که در پیوند تنگاتنگ با عملیات نظامی پیش برده می شود.

شکن عمده تبلیغ سیاسی در کردستان "جوله" (گشت سیاسی) است و پیشمرگان جنبش مقاومت همیشه در کنار فعالیتهای نظامی خود به "جوله" نیز می پردازند و از این نه تنها به کار آگاهگرانه و برقراری ارتباط وسیعتر با توده های پر داند بلکه تشکلهای تودهای را نیز در مناطقی که زمینه آن وجود داشته باشد سازمان می دهند. تشکلاتی نظیر شوراهای آبادی، شورای خوشنشینان دفتر جوانان مبارز و نیروی مسلح مقاومت تودهای (هیزی بمرگری) معمولا در حین جوله و دیگر فعالیتهای سیاسی موجود می آیند. پیشمرگان نیروهای انقلابی در همین جوله ها که دهقانان رابه مصادره زمینها و اموال ارباب تشویب نموده و از آن پشتیبانی می کنند.

با توجه به اهمیت جوله در جهت بردن آگاهی طبقاتی به میان زحمت کشان است که پیشمرگان سازمان پیکار در کنار فعالیتهای نظامی خود فعالانه به جوله در روستاها دست می زنند و از این طریق نیز به بیست برد وظایف مبارزاتی خوبی می رسد. گزارشات زیر چند نمونه از این فعالیتهای پیشمرگان سازمان در کردستان جنوبی می باشد که با کمی تخیل از اخبار جنبش مقاومت سندج شماره ۲۲ نقل می نمایم

۱۳/۸/۵۹ - در این روز پیشمرگان پیکار (دسته شهید مسعود) در آبا دیهای اطراف کامیاران (بلوچه ساعظم آباد - مامس - برتانه و...) جوله کرده و ضمن سخن رانی های خود ماهیت دولتی و ستیهای ضد خلقی را افشا کردند. در این دهات با وجود اینکه برای اولین بار بود که پیشمرگان پیکار این مردمی رفتند با استقبال پر شور آنها روبرو شدند. روستائیان عموما از فشارهای اقتصادی ناشی از سیاستهای دولت و فشاری که پاسداران برای جمع آوری مواد غذایی از روستائیان به آنها وارد میکردند شکایت داشتند و خواهان ماندن پیشمرگان در کنسار خود بودند.

۱۵/۸/۵۹ - در این روز ضمن جوله پیشمرگان سازمان پیکار (دسته شهید مسعود) در آبادیهای اطراف کامیاران، در آباک در بند عزیز خوشنشینان با مراجعه به پیشمرگان خواستار تقسیم زمین خالصه اربابی بین خود گردیدند. این زمینها بعد از فرار مالکان در تملك عدای از دهقانان که خود زمین داشتند قرار گرفته و بهر مرداری میشد بعد از تحقیق حقانیت ادعای خوشنشینان مبنی بر اینکه زمین خالصه اربابی تا بحال تقسیم نشده و توسط این عده از زارعین صاحب زمین غضب گردید و به توجیه اینکه بهر برداری از این اراضی حق خوشنشینان است زمین خالصه اربابی در اختیار آنها قرار گرفته قرار شد که ۹ خانوار خوشنشین بشکل دسته جمعی زمین را کشت

نموده و مورد بهر مرداری قرار دهند. پیشمرگان با بحث اقناعی با کشاورزان آنها را متوجه اشتباه خود نمود و آنان نیز با دادن زمین به خوشنشینان موافقت نمودند.

در همین آبادی مقداری درخت گردوی مالکی وجود داشت که با تقاضای مردم جهت روشن نمودن وضع آن قرار بر این شد که جمع آوری محصول و بهره برداری از این درختان هر سال بطور دسته جمعی انجام گرفته و به نسبت مساوی بین تمام آبادی تقسیم گردد و درختان خشک نیز به مصرف سوخت مسجد آبادی اختصاص داد شد.

۱۶/۸/۵۹ - در این روز پیشمرگان سازمان پیکار (دسته شهید مسعود) جهت مصادره اموال یکی از فئودالهای خونخوار منطقه سازمان روستای گمشکیر از دهات کنیایی منطقه سنقر شدند. بهمن خان امیری این فئودال معروف را تمام اهالی منطقه بخوبی میشناسند و از ظالم وی بخوبی آگاهند این شخص علاوه بر استعمار زحمتکشان و بردن دسترنج آنها و کشتن بیگاری از آنها و دهها بزرگسالی دیگر به عدای از دختران و زنان زحمتکش و ستمدید منطقه و قبیحانه تجاوز کرده بود و کسی را که جرأت می کرد به این اعمال ننگین اعتراض نماید و حشیا نه می کشت یا مورد ضرب و شتم قرار میداد شدت ظلم و غارتگری و رعب و وحشتی که از طرف بهمن خان امیری به این مردم روا میشده و به حدی بوده که با وجود اینکه بعد از قیامها رشد مبارزه زحمتکشان و ساقط شدن قدرت ارباب - توسط زحمتکشان روستاهای دیگر

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

صادر شده بود، آنها هنوز از اموال مالك حفاظت میکردند و جزای صادره آنرا نداشتند. از اموال موجود مالك در ده تعداد ۱۰ رأس گوسفند چهار رأس گاو و چهار گوساله بود که پیشمرگان قصد تقسیم آنرا بین اهالی آبادی دادند. شتند ولی با توجه به اینکه هیچ يك از اهالی بخاطر احتمال حمله جاشها و پاسداران در پشتیبانی از ارباب جرات قبول این اموال را نداشتند ناچار این اموال بفرع جنبش صادره شده و از منطقه خارج گردید. مردم آبادی بسا وجود ترس از مالك، از پیشمرگان پشتیبانی کرده و از صادره شدن گله مالك ابراز خوشحالی می نمودند بطور کلی مناطقی که تحت نفوذ پیشمرگان می باشد و نیروهای انقلابی در آنجا کار آگاهگرانسه نمودند توده های کشاورزان توان ویتانسیل انقلابی خود آگاه بود و سرعت دست اربابهار از سر خود کوتاه نمودند. در حالیکه در مناطقی که کار آگاهگرانه کافی انجام نگرفته و از طرف دیگر خطر حمله نیروهای سرکوبگر رژیم بیشتر می باشد و کشاورزان از سوی از توان انقلابی خود شناخت لازم راندانند و از سوی دیگر از حملات انتقامجویانه نیروهای سرکوبگر رژیم در حمایت از ارباب در هراس می باشند و ما شاهد برآمد شدیدی مبارزه طبقاتی نمی باشیم. از جمله این مناطق اطراف سنقر کلیایی می باشد که روستائیان از ترس حمله نیروهای رژیم و ارباب حاضر به تصرف اموال اربابنشده اند از این رو کار آگاهگران در این مناطق یکی از وظایف مهم ما می باشد و تاکنون پیشمرگان سازمان در این زمینه هم در کنار وظایف نظامی خود فعال بوده اند

دفاع طلبان و ...

"رزمندگان در گذشته بدستی" دفاع از میهن" بورژوازی را در نقطه نظرات راه کارگر" تشخیص داد و علیه آن به مبارزه برخاست، لیکن امروز که بایستی نشان دهد که از منافع خلق ها و پرولتاریا دفاع می کند و نه از میهن بورژوازی به نظرات گذشته اشریست کرده و آنها را به طاق نسبان کوبیده است، "رزمندگان" امروزه با "صاف مستقل" از میهن بورژوازی دفاع می کند!

وظیفه خلق کرد:

حفظ مرزها یا ادامه انقلاب؟

اکنون نگاهی بمرخورد راه کارگر بیفکیم:

راه کارگر که با شروع جنگ یکباره (یکباره؟) تمام مواضع گذشته خود را در مورد نقش و مضمون جنبش مقاومت در مبارزه ضد امپریالیستی فراموش نموده است. بر همه واقعت گذشته و امروز، در رابطه موجود میان رژیم جمهوری اسلامی و خلق کرد چشم می پوشد و چونان کسی که خواهان پایان دادن دعوا میان دو فری است که دعوایشان در نتیجه يك سو، تفاهم وجود آمده است به یاد آوری اصول برادری و "حسن تفاهم" می پردازد و به رژیم درس اخلاقی دهد!

در اعلامیه مورخ ۱۲/۷/۵۱ "راه کارگر کردستان" تحت عنوان "در شرایط حمله بعضی های جنایتکاره خاک میهن و اوج گیری توطئه های امپریالیسم برقراری آتش بسس در کردستان و قطع سرکوب خلق کرد يك ضرورت فوری است. آمده است: "تودمهای کرد برای به

انجام رساندن وظیفه خود در قبال خلقها و زحمتکشان ایران، به عنوان پاسداران مرزهای غربی کشور یا اینچنین مانعی بصورت سر-کوبگریان از جانب رژیم جمهوری اسلامی مواجه گشته اند. در صورت سر-طرف شدن این مانع، بی گمان این خلق قهرمان با بهره گیری از تجربه و رژیم آوری فرزندان انقلابی خود خواهد توانست جنبه تازه ای بر علیه رژیم ضد خلقی باعث گشوده و توان کم نظیر خود، در زمینه پاسداری از مرزهای غربی میهن را به نمایش بگذارد.

راه کارگر در اینجا اولاً هدف مبارزه خلق کرد و وظیفه ای که این خلق (یا مبارزه آن) در قبال دیگر خلقهای ایران دارد را تحریف کرده و وارونه جلوه میدهد: ثانیاً - با جنبش خلق کرده گونهای برخورد می کند که گویا سو، تفاهم باعث جنگ میان رژیم و خلق کرد شد است که در نتیجه میتوان با یاد آوری به اصطلاح ضرورت تفاهم آنرا خاتمه داد و ثالثاً همچون رژیم - گان" خلق کرد را عملاً دعوت به توقف مبارزه ها دلانه خویش و همراهی با رژیم جمهوری اسلامی در مقابل "بعث" می کند

ما می پرسیم آیا وظیفه خلق کرد در قبال دیگر خلقهای ایران پاسداری از مرزهای غربی کشور است؟! - آنگونه که راه کارگر ادعا می کند. یا پیشبرد مبارزه انقلابی خود بعنوان جزئی از مبارزات دموکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران برای نابودی سیستم سرمایه داری وابسته به انجام رساندن انقلاب ناتمام ایران؟ چرا خلق کرد اسلحه بدست گرفت و دست به مقاومت و مبارزه مسلحانه زد؟ آیا چون مرزهای غربی کشور مورد هجوم بقیه در صفحه ۱۲

مه‌آباد: مبارزه و مقاومت توده‌ها همچنان ادامه دارد

چند ماهی است که شهر مه‌آباد، بعد از کشتار بیش از ۳۰۰ نفر از مردم آن و ویران شدن شهر بوسیله توپ و خمپاره بدست نیروهای سرکوبگر رژیم ضد خلقی با اصطلاح فتح شد شده است. ولی آیا این کشتار و وحشیگری، خمپاره باران و توپ بستن شهر و رزنهایت تصرف آن، می‌توانست مردم دلاور مه‌آباد را از مبارزه باز دارد؟ هرگز! زحمتکشان مه‌آباد علی‌رغم سرکوب خونین، تیرباران و شکنجه و زندان لحظه‌ای دست از مقاومت و مبارزه نکشیده و نخواهد کشید. نمونه‌های زیور گوشه‌ای است از اعمال ضد خلقی ارتش و پاسداران و مبارزات توده‌های مردم این شهر علیه رژیم جمهوری اسلامی و نیروهای ضد انقلابی رنگارنگ چون سازمان چریک‌های (اکثریت) و حزب توده بایستی بدانند که خون شهیدان جنبش مقاومت همچنان در رگ‌های زحمتکشان می‌جوشد و مبارزه آنها تا نابودی ستم ملی و طبقاتی ادامه خواهد یافت.

پنج شنبه ۸/۱ پاسدارها یا ۵ نفر کشته و زخمی شدند. مردم مشغول حفر سنگرد در دکانیا هستند. از ترس عملیات تلافی جویانه پاسدار- مردم با تنفر نظاره‌شان می‌کنند هر هابسرعت دکانها را بسته و به خانه کسی به شکلی تنفر خود را نشان می‌دهد های خود رفتند. نیروهای سرکوبگر زنی می‌گفت کاش چشمانم کور بود هرگز این جنایتکاران را نمی‌دیدم.

جمعه ۸/۲ شب هنگام دو پاسدار کشته شدند. ۱۰ آرایش‌مردگان جنبش مقاومت لحظه‌ای آنها را آرام خواهند گذاشت؟

شنبه ۸/۶ پاسدارها به دکانی که مردم برای خرید روغن جلوی آن از دحام نموده بودند حمله کرده و روغن‌ها را به "خانه جوانان" می‌برند تا با نظارت خود بفروش برسانند. عده زیادی از مردم از خرید روغن صرف‌نظر نموده و حاضر به رفتن به "پاسدار خانه" نگشتند. مردم نفرت خود را به هر شکلی و در هر محلی نشان می‌دهند

پنج شنبه ۸/۸ - امروز صبح یک میگ عراقی در آسمان ظاهر شد و آویر خطر به صدا درآمد. مردم همه برای تماشا به کوچه و خیابان ریختند مبارزین شهر فرصت را غنیمت شمردند و دست به افشاگری پیرامون ماهیت ارتجاعی جنگ بین دو رژیم ضد خلق زدند.

یکشنبه ۸/۱۱ - پاسدارها بطور جمعی و مسلحانه در شهر رفت و آمد می‌کنند. به هنگام عصر نارنجکی بد داخل ماشین ارتشی پرتاب شده.



نتگ و نفرت بر ارتش ضد خلقی و پاسداران ارتجاع

← مقاومت مسلحانه زد .
حتی کسانی که قبلا محافظه کاری نموده در جنبش فعالانه شرکت نمودند . اینک مبارزه راتنها چاره می دانند .

شنبه ۸ / ۱۷ - دوزخ است که در شهر بطور مداوم صدای تیراندازی و بگوش می رسد . پاسدارها در میدان آرد هر کسی را که یافتند دستگیر نمودند . بیش از صد نفر دستگیر شدند که بعد در انرفشار توده ها مجبور به آزاد کردن عده ای از آنها شدند . عصر بود که با خمپاره نیز یکی از خیابا - نه های شهر را کوبیدند . دو نفر به شهادت رسیدند . با تمام این تیر - اندازیها و خمپاره انداختن روحیه مردم خوب است .

یکشنبه ۸ / ۱۸ - امروز صبح پاسداران به خانه ماموستا شیخ - عزالدین حمله نموده و اسباب محقر منزلش را به غارت بردند . مردم خشم خود را از این عمل پنهان نمی کنند . تقریبا همه دکانها تعطیل است .

سه شنبه ۸ / ۲۰ - عده ای از مبارزین شهر را امروز تیرباران نمودند . همه ناراحت هستند . دو مراسم عزاداری مردم به تمام رژیم ضد خلقی از بالا تا پایین دشنام می دهند . اما چند توده ای همچون عجزه های پیر لجر پراکنی می کنند و گناه را بر گردن پیشمرگان می اندازند . افشای قاطعانه این مزدوران ، آنان را فراری میدهد . دکانها و بازار همچنان تعطیل است .

پنجشنبه ۸ / ۲۲ - پاسداری که در نزدیکی دخانیات مشغول شعار

نویسی بود مورد حمله واقع شد و مجروح گردید .
یکشنبه ۸ / ۲۵ - عده ای جاش و پاسدار امروز کوچه های مختلف خیابان وفایی را خانه گردی کرده و چند نفر را دستگیر کردند . پاسداران همچنان در خیابانها به گشت می پردازند و افراد با اصطلاح مشکوک را توقیف می کنند . یکی از توده ایها نیز امروز بوسیله " برادران " پاسدار خود دستگیر شد .

جمعه ۸ / ۳۰ - چند روز است که مرتب صدای تیراندازی میاید . پاسداران دست به خانه گردی و آزار و اذیت مردم زده و تهدید نموده اند از این پس در جواب هر گلوله یک خمپاره بداخل شهر خواهند انداخت . توگویی عنم مردم برای مقابله با سرکوبگران بوسیله خمپاره و توپ درزم خواهد شکست !
مردمی که هر روز زندگیشان به مبارزه بر علیه رژیم ضد خلقی می گذرد ، در برابر توپ و خمپاره و تیر باران و زندان لحظه ای آرام نخواهند نشست .

۱ / ۷ - مردم شهر اوایل صبح برای خرید مایحتاج روزمره و ایستادن در صفهای مختلف به خیابانها میروند . حدود ساعت ۱۰ یا ۱۱ دکان های شهر اکثر تعطیل می شود و همه مردم خیابانها را ترک نمودند . به کوچه های مختلف شهر پناه می برند . شهر از خیابانها به کوچه ها کوچه ها منتقل شده است . چه اینکه جاش و پاسدارها همراهی ارتش هر کس را که در خیابا -

بانها بیابند دستگیر نموده و به یادگان می برند . در کوچه ها غوغائی دیگر برپاست . جوانان انقلابی شهر با نصب درشت نویسی و پخش اعلامیه و خبرنامه در آگاهی توده ها می کوشند . مردم اینجا و آنجا بدور هم جمع شده و بحث میکنند . گاهی یکی از هواداران سازمان چریکها (اکثریت) و یا شاید هم " توده ای " را می توان دید که یاد رجال تبلیغات ضد انقلابی علیه جنبش خلق می باشند و یاد رجال جاسوسی برای " برادران " پاسدارشان . اما مبارزه در شهر ادامه دارد . چشمه های آگاهی از این سوی و آن سوی کوچه های شهری جوشد ، بهم می پیوندد و رود آگاهی و مبارزه همچنان به پیش می رود .

جاشها . . .
و فرومایگی آنها را بیش از پیش به توده ها نشان میدهد .
آری امروز جاشهای " مکتبی " و جاشهای " غیر مکتبی " به جان یکدیگر افتاده اند ، و یکدیگر را پاره پاره میکنند . همچنانکه استخدام کنندگان آنها بهشتی ها و بنی صدرها به جان هم افتاده اند . حکایت آنها حکایت سگهای قطبی است که برای سهم بیشتری جان یکدیگر می افتند و یکدیگر را پاره پاره میکنند . اما بگذر از آنها به جان یکدیگر بیفتند ، خلق کرده مدتهاست آنها را طرد نموده است ، نفرت مادرانی که فرزندان شان شهید شده اند ، و گلوله های آتشین پیشمرگان انقلابی نثارشان میاد توده ها و نیروها حانقلابی به مبارزه خود برای نابودی کامل دشمنان خویش بیش از هر زمان دیگر ادامه خواهند داد . بگذارد دشمن از وحشت مبارزه توده ها بر خود بلسرزود توده ها به حرکت درآمد مانند !

حملات گسترده پیشمرکان کومله به مزدوران رژیم

در هفته‌های آخر آبان ماه پیشمرکان قهرمان کومله طی یکسری عملیات منظم، سپاه مزدور رژیم را از بخشی از منطقه ژاورو (هورامان) و آمانات بیرون راند و منطقه را از وجود آنان پاک ساختند. در جریان این عملیات تعدادی از مزدوران رژیم کشته شدند و دستگیر شدند. این مزدوران در حضور مردم رابطه خود با رژیم بعث اعتراف کردند.

آخرین عملیات پیشمرکان کومله علیه مزدوران رژیم در تاریخ ۲۸/۸/۵۹ و ۳/۹/۵۹ انجام گرفت که در جریان آن پایگاه اصلی آنها در روستای ده تسخیر شد و تعداد زیادی از این مزدوران به هلاکت رسیدند. در این عملیات انقلابی فرمانده نظامی نیروهای پیشمرگه کومله در سنندج رفیق علی گلچینی با نام سازمانی "سلاح رمی" و هم‌رزمش کاک صالح بوریری به شهادت رسیدند و خون خود را وثیقه پیروزی خلق کرد و همه خلقهای ایران ساختند. مادران و پسران پیشمرکان شهید رفقا علی گلچینی، صالح بوریری و علی

دفاع طلبان و رژیم بعث عراق قرار گرفته بود. با این دلیل که خلق کرد در مبارزه برای رفع ستم ملی و طبقاتی مورد یورش رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت؟ "راکارگر" از پاسداری از "مرزها" صحبت می‌کند. مسأله سوال میکنیم کدام "مرزها"؟ -

قمری را که در مبارزه برای پاک کردن کردستان از لیت وجود مزدوران وابسته به بعث بشهادت رسیدند گرامی می‌داریم. ماضی یشتیانی از اقدامات انقلابی رفقای کومله در قطع سلاح و نابودی مزدوران رژیم معتقدیم عملیات سازمان یافته کومله بر علیه سپاه رژیم که با پشتیبانی مردم منطقه موجهند نشان دادند ضد بعثت ردمنی خلق کرد و نیروهای انقلابی آن با عوامل مزدور و نیروهای وابسته است. علاوه بر این اقدامات نشان میدهد که خلق کرد به هیچوجه وجود مزدوران وابستگان به بعثت و اصولاً هر نیرویی که بخواهد در این جهت قدم بردارد و جنبش مقاومت را به وجهالمتعالجهناصح ضد انقلابی خود تبدیل کند، تحمل نمی‌کند و قاضیان آنها را طرد و نابود می‌سازد. جنبش مقاومت خلق کرد مبارزه‌های عادلانه بوده و با هر گونه وابستگی مبارزه خواهد کرد. خلق کرد و نیروهای انقلابی آن پیروزی مبارزه عادلانه خود را با تکیه بر نیروی خویش و نیروی لایزال همه خلقهای ایران امکان پذیر می‌دانند.

زهای میهن سرمایه داران یا مرزهای میهن زحمتکشان؟ اگر پاسداری از مرزهای کشور و وظیفه خلق کرد است پس چه چیز مرز میان پیشمرگان انقلابی (و در واقع از وگان انقلاب) و ارتش پاسداران (و در واقع اردوگاه ضد انقلاب) را از یکدیگر جدا می‌کند؟ "راه کارگر" هم دفاع از مرزها؟

میهن بورژوازی را می‌خورد یا هم دفاع از زحمتکشان را؟ نمی‌توان خود را مدافع منافع طبقه کارگر خواند و آنوقت اینگونه به دفاع از منافع بورژوازی برخاست. راه کارگر دیروز می‌گفت دولت جمهوری اسلامی ایران یک هدف مشترک با قدرتمندای امپریالیستی دارد. حفظ نظام سرمایه داری وابسته ایران و این هدف اساسی سیاست و عملکردهای آن دو در میهن ماست. "مسی افزود: جنبش مقاومت خلق کرد یک جنبش ضد امپریالیستی است زیرا مبارزه خلق کرد بر علیه ستم ملی، مبارزه‌ای است بر علیه نظام وابسته به امپریالیسم و از این رو مبارزه خلق کرد، تداوم انقلاب ضد امپریالیستی خلق ایران است." (کردستان در مقاومت ضد امپریالیستی - راه کارگر شماره ۳۱ - تأکیدات از ماست) و امروز معلوم نیست چه معجزه‌های انجام گرفته است که یکباره "هدف مشترک" و "اساس سیاست" رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم صد و هشتاد درجه در مقابل هم قرار گرفتند امپریالیسم سرزمینها درآورد ماست. "راکارگر" در همان مقاله کردستان در مقاومت ضد امپریالیستی می‌گوید: "خلق کرد برای مبارزه با امپریالیسم نخبه مهرهای امپریالیسم و نخبه دولت اتکا نکرد و با آن مبارزه می‌کند. همین وضع است در مورد دولت خلقی عراق. دولت عراق هماد دولت ایران اختلافاتی دارد و برای تحکیم قدرت خود و جلوگیری از رشد مبارزات توده‌های خود علیه دولت ایران توطئه می‌کند."

لیسم نخبه مهرهای امپریالیسم و نخبه دولت اتکا نکرد و با آن مبارزه می‌کند. همین وضع است در مورد دولت خلقی عراق. دولت عراق هماد دولت ایران اختلافاتی دارد و برای تحکیم قدرت خود و جلوگیری از رشد مبارزات توده‌های خود علیه دولت ایران توطئه می‌کند.

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و مبارزان مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم!

دفاع طلبان ...
آیا تودمهای ایران با یدبه دلیل دشمنی یک دولت ضد خلقی با دولت ایران از مبارزات برحق خود دست بکشند؟ نه ... (تاکیدات از ماست)
ولی اکنون قضیه کاملاً بر عکس شده است، دیگر زمان عدم اتکاء به این یا آن دولت گذشته و در دشمنی میان دو رژیم ایران و

هیچگاه و در هیچ شرایطی حاضر نیست از سرکوب خلق کرد (و همه خلقهای ایران) و در کوشش برای خفه کردن هرگونه صدای حق طلبانه توده‌هاستبردارد، مگر اینکه در اثر قدرت جنین مجبوره بعضی عقب نشینی‌ها شده باشد. زیرا رژیم دشمن طبقاتی خود را خوب می‌شناسد و میدانند که میتوانند با عراق و آمریکا کنار بیایند، ولی با تودمهای

کردستان در این شرایط، دلیل دیگری است بر ماهیت ارتجاعی رژیم، به دادن رهنمود به رژیم و پند و اندرز به آن می‌پردازد.
گرایش رویزیونیستی "راکارگر چنان قوی است و جنگ آنچنان به آن دامن زده است که براحق موضع دیروز خود را که میگفت "خلق کرد میداند که دولت را باید وادار به عقب نشینی و سپس مذاکره کرد" (راکارگر شماره ۲۲ مقاله "پرچم خونین ...") تاکید از ماست) فراموش می‌کند و زبان نصیحت به رژیم را بکار میگیرد.

راه کارگر از پاسداری از مرزها صحبت میکند، اگر پاسداری از مرزهای کشور وظیفه خلق کرد است، پس چه چیز مرز میان پیشمرگان انقلابی (و در واقع اردوگاه انقلاب) و ارتش و پاسداران (و در واقع اردوگاه ضد-انقلاب) را از یکدیگر جدا میکند؟ "راه کارگر" غم دفاع از مرزهای میهن بورژوازی را میخورد یا غم دفاع از زحمتکشانش را؟

عراق با یکدیگر، خلق کرد با یستی از مبارزات برحق خود دست بکشد و به دفاع از مرزهای "میهن یلند" شود. اکنون بخشی از توان نظامی خلق کرد را با یستی برای مقابله با تجاوز رژیم عراق اختصاص داد (جزوه سخنی با کومله - راه کارگر کردستان) اگر تا دیروز میان رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم هدمیستک وجود داشت و اساسی سیاست و یکی بود امروز خلق کرد و رژیم جمهوری اسلامی آنده که هدف مشترک پیدا کرده اند و اساسی سیاستشان یکی شده است!

انقلابی نه اما "راکارگر" کاری به واقعیات ندارد، چرا که مسئله "راکارگر" دفاع از میهن است و با یستی واقعیات را قربانی تمایلات انحرافی خود نمود. پیرایه به رژیم درس اخلاق داد: "قطع سرکوب خلق کرد یک ضرورت فوری است، مانع! (منظور کشتار و سرکوب وحشیانه و مدار و خلق کرد توسط ارتش ضد خلقی و پاسداران ارتجاع است) راه کارگر سر راه خلق کرد بردارید تا در صفوف مقدم مبارزه علیه متجاوزین یعنی قرارگیری (همان اعلامیه) لازم است نیروهای نظامی رژیم از این منطقه خارج شوند و به جبهه‌های جنگ ایران و عراق بروند" (نقل - بمعنی از سخنی با کومله)

اول آتش بس
بعد صلح پایدار
و سپس ...

اما متأسفانه مسئله باز هم به اینجا خاتمه نمی‌پذیرد. "راکارگر" در ادامه و تعمیق انحرافات رویزیونیستی گذشته‌اش و به دلیل نزدیکی فراوان مواضع امروزش به سوسیال شونیستها، مبارزه طبقاتی را به فراموشی می‌سپرد و به تبلیغ ایده رویزیونیستی صلح پایدار تحت حاکمیت بورژوازی دست می‌زند: "در این شرایط اوج گیری توطئه های امپریالیسم بر علیه زحمتکشانش ایران، برقراری آتش بس در کردستان

راه کارگر

به رژیم درس اخلاق بدهد

اما هنوز مسئله تمام نیست راه کارگر چنان مسئله آتش بس را مطرح می‌کند که گویا سوء تفاهمی خلق کرد را در مقابل رژیم جمهوری اسلامی قرار داده است. رژیم جمهوری اسلامی طی نزدیک به دو سال عمر خویش در مراحل مختلف و از جمله در همین بحبوحه جنگ با عراق نشان داد ماست که

"راه کارگر" بجای افشای سرکوب و کشتار خلق کرد توسط رژیم جمهوری اسلامی - می‌جست در شرایط جنگ ایران و عراق، به دادن رهنمود و پند و اندرز به آن می‌پردازد.

به این ترتیب "راکارگر" به جای افشای سرکوب و کشتار خلق کرد توسط رژیم جمهوری اسلامی و نشان دادن این امر که ادامه این سرکوب حتی در شرایط جنگ ایران و عراق و تمرکز بخش عظیمی از نیروهای ارتشی و پاسدار در

ستان و آغاز مذاکره به جهت یافتن راه حلی که تضمین کنند صلح پایدار در این قسمت از خاک میهن ما باشد، بیش از هر هنگام دیگری ضرورت خود را نشان میدهد. (اعلامیه ۱۳/۷/۵۹ راه کارگر)

دفاع طلبان... کارگر کردستان - تاکید از ما ستا ابتدا از رژیم تقاضای آتش بس کردن بیه آن بند و اندرز دادن . سپس از لزوم برقراری صلح پایدار دم زدند و آنگاه ۰۰۰۰! و همه اینها تحت پوشش به اصطلاح

ایران علیه ارتجاع و امپریالیسم را زیر پایگذارد . "رامکارگر" بسر بلی شکسته قدم گذاشت!

نتیجه محتوم دفاع طلبی چیست؟

"راه کارگر" در ادامه و تعمیق انحرافات روزیونیستی گذشته اش بیه دلیل نزدیکی فراوان مواضع امروزش به سوسیال شونیستها، مبارزه طبقاتی را به فراموشی می سپرد و به تبلیغ ایده روزیونیستی "صلح پایدار" تحت حاکمیت بورژوازی دست میزد

مقابله با خطر امپریالیسم و تجاوز عراق و حفظ منافع زحمتکشان! اینست راهی که به ترکستان روزیونیسم می انجامد . آیا سازمان چریکها (اکثریت) نیز همین مسیر را در تبلیغات و موضعگیری های خود راجع به کردستان و جنبش مقاومت طی نکرد؟

وقتی موارد فوق را در کنار نکات بسیاری* از جمله این قرار دهیم که دیگر در نوشته های "رامکارگر" صحبتی از ضد خلقی و آمریکایی بودن ارتش نیست و از ارتش شاهنشاهی دست پرورنه مستشاران آمریکایی، اسرائیلی و انگلیسی و ارگان اجرائی امپریالیسم فقط تحت عنوان ارتش جمهوری اسلامی نام برده میشود ، شتاب ناسف بار و حرکت قهقراپی "رامکارگر" بسوی ورطه روزیونیسم بهتر مشخص میشود . در واقع راه کارگر بیه تبع موضعی که نسبت به جذب اتخاذ کرده است، در پهنه نظری و عملی مجبور است بیخیزد از بنیاد اصول انقلابی در برخورد به جنبش مقاومت خلق کرد بعنوان جزئی از جنبش انقلابی خلقی

با توضیحات فوق مشخص می شود که "رامکارگر" و "وزمندگان" بعنوان نمایندگان اصف نیروهای "دفاع طلبی"*** چه مواضع عیقا انحرافی در حال حاضر نسبت به جنبش مقاومت و مواضع کردستان اتخاذ کرده اند . اما روشن است که این مواضع جدا از درک انحرافی آنها از ماهیت هیئت حاکمه و جدا از موضع آنها

نسبت به جنگ ایران و عراق نیست . بلکه در واقع نتیجه بلا فصل آنست زمانیکه ماهیت جنگ میان ایران و عراق عادلانه قلمداد شده ، جنگ از جانب عراق بعنوان "هجوم امپریالیستی" معرفی گردیده و از موضع شرکت در این جنگ مطرح میشود طبیعی است که از رژیم جمهوری اسلامی تقاضای آتش بس شود و بجای ادامه مبارزه علیه رژیم لزوم قطع آرو برقراری صلح مطرح گردد . کسانی که تود مها را به شرکت در جنگ در خوزستان فرامی خوانند ، نمی توانند در کردستان خواهش

ادامه مقاومت مسلحانه خلق کرد در مقابل سرکوب رژیم و گسترش مبارزه علیه آن باشند . موضع "دفاع طلبی" ناگیر است خواهان گشودن "جبهه سوم" (رزمندگان) "جبهه تازه" (رامکارگر) در کردستان بر اساس "حسن نیت" رژیم و نیروهای سرکوبگر آن باشد . حال اگر رژیم توجهی به درخواستهای عاجزانه "دفاع طلبان" مانکند (کم می کند) و به سرکوب خلق کرد ادامه دهد (که وحشیانه تر ادامه دهد و آیند ر قاش و صوفیان و... را می آفریند) و جبهه تازه علیه رژیم عراق در کردستان نگشاید (کم می کشاید) زیرا برای اوستلغاضبی سرکوب و نابودی جنبش مقاومت است (معلوم نیست "دفاع طلبان" ما چه برنامه ای برای خلق کرد و جنبش مقاومت تجویز می کنند . مختصر اینک در صورت عدم برآورده شدن درخواستهای "دفاع طلبان" آنها چه خواهند کرد؟ آیا جز کنار کشیدن از

کسانی که تودها را به شرکت در جنگ در خوزستان فرامی خوانند ، نمی توانند در کردستان خواهان ادامه مبارزه و مقاومت مسلحانه خلق کرد در مقابل سرکوب رژیم و گسترش مبارزه علیه آن باشند .

جنبش مقاومت راه دیگری باقی می ماند؟ طبق موضع آنها نسبت به جنگ ایران و عراق و مسائلی که در سطور فوق بدان اشاره کردیم ، بی تردید تجویز آنها آتش بسی یک جانبه از طرف نیروهای سیاسی فعال در کردستان و عبارت دیگر انجام همت حرکتی باید باشد که سازمان چریکها (اکثریت) مطرح ساخت و عملی نمود . "دفاع طلبان" اگر بخواهند بیه موضع خود در رابطه با جنگ ایران و عراق وفادار باشند ، نمی توانند در خوزستان علیه عراق بجنگند و در کردستان علیه رژیم جمهوری اسلامی . به دیگر

توطئه های امپریالیسم امریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم می کنیم!

جاشه‌بیه جان هم افتاده اند

اخیراً روزنامه جمهوری اسلامی بتاريخ ۲۶ آبان اعلامیه‌ای از سا- زمان باصطلاح "پیشمرگان مسلمان کرد" (!!) چاپ کرده است عنوان این اعلامیه این است: یک جریان انحرافی و توطئه‌گر که در سا زمان پیشمرگان کرد رخنه کرد، بودند شناسائی و افراد آن دستگیر شدند و در آن تروریسم و خفقان در هرلیاسی را محکوم کرده است.

بدنیال انتشار این اعلامیه، این بار نام‌های تحت عنوان "نامه گروه‌های مختلف کردستان به امام خمینی" در روزنامه انقلاب اسلامی بتاريخ ۲ آذرماه چاپ شده است که در آن از اینکه مفتی زاده مورد آزار و اذیت قرار گرفته و اناث و اسبب منزلت تفهیم و محافظان نش را دستگیر کرده اند، شکایت شده است.

انتشار این دو نوشته در دوروز نامه مختلف، که هر کدام وابسته به یک جناح از هیئت حاکمه اند، نشاندهنده آن گیری اختلافات میان جاشه‌بیه موازات بالا گرفتن اختلاف میان دو جناح هیئت حاکمه است.

"جاشه‌بیه جان یکدیگر افتاده اند و همدیگر را پارماره میکنند" اما حقیقت چیست؟

مطابق اخبار رسیده، در تاریخ ۱۲ آبان، میان جاشیسی که طرفدار مفتی زاده است و یکی از افراد سپاه پاسداران درگیری لفظی پیش می‌آید. این درگیری لفظی ادامه یافته و جاش مذکور به تیراندازی می پردازد، در جریان این زد و خورد یکی از اهالی محل که افراد زحمتکش و نجاری بنام طهمورث حجت جلالی بوده، مجروح گشته و بعد از دو روز در بیمارستان به شهادت میرسد. در این جریان

عدای از جاشه‌بیه دستگیر ضارب متواری میشود. بعد از ظهر همانروز در آن محل تجمعی با شرکت خانواده‌های جاشهای هوادار رفتی زاد انجام میشود. این تجمع مورد حمله سپاه پاسداران فرار گرفته و پراکنده میشود. خانواده‌های جاشها هر یکی به سمتی فرار میکنند، آنها ضمن فرار سپاه هواداری مفتی زاده به "خمینی" دشنام میدهند.

عصر همانروز استاندار اطلاعیه ای میدهد که در آن گفته شده است که "یکی از پیشمرگان مسلمان کرد شخصی بیگناهی بناحجت جلالی را مجروح کرده است و ما مورین انتظار می که میخواستند ویراد دستگیر کنند، بعلمت اینکه موقع نامناسبی را انتخاب کرده اند، منجر به درگیری شده و عدای زخمی شده اند (!) بدنیال این جریان جاشهای "بزرگ" (به بزرگی خیانتشان!) چون عبدالرحیم احمدی (مسئول جاش های سنندج) اقبال پیکو، شاطر احمد و... بوسیله سپاه پاسداران دستگیر میشوند. بعد از مفتی زاده را هم به اتهام تروریست بودن، دستگیر و خانواده‌هایش را تحت کنترل میگیرند. جریان فوق الذکر که نشان از اختلاف و شکافی دارد که میان دو دسته از جاشها اتفاق افتاده است. اما این اختلاف و منشا آن کدام است؟

از مدت‌ها پیش میان جاشهای هوادار مفتی زاده که متمایل به بنی صدر هستند و تلاش میکنند که مفتی زاده را بعنوان رهبر مذهبی سیاسی کردستان جایزنند، با جاشهایی که منافع خود را در نوکری جناح حزب جمهوری اسلامی می بینند، اختلاف و درگیری بالا گرفته است این اختلافات و درگیریها بارها به اشکال مختلف خود را بروز

داد است. این اختلاف که خود انعکاسی از اختلافات میان جناح لیبرالها (بنی صدر) و حزب جمهوری اسلامی در هیئت حاکمه است. امروز حتی به شکل درگیری دست گیری هواداران مفتی زاد مزدور بترتیبی که جاشهای وابسته به حزب جمهوری اسلامی مفتی زاده را تروریست خطاب کرده اند.

بدون شک اختلاف میان جاشها، موجب خوشحالی توده های خلق کرد است چه هر دو باند جاشها، نوکران رژیم و سرمایه و مزدورانی هستند که بازا، مبلغی ناچیز، را مخیانه خبه خلق کرد را برگزیده اند (هرجاش - ۳۰۰۰ تومان!) کینه‌توزی و دشمنی دو باند جاشها بیس از آنکه بین خودشان باشد، با توده‌ها و نیروهای انقلابی است. هر دو آنها در اعلامیه و نامه هایشان که در روزنامه‌ها یوابسته به رژیم چاپ شده اند، این حرکت را بفع "ضد انقلاب" بخوانند؛ انقلاب خوانده اند مهم‌تر اینکه سازمان باصطلاح "پیشمرگان مسلمان کرد" نوشته است تروریسم و خفقان در هرلیاسی محکوم است (!!).

آنها چه کسی را می خواهند بفرینند؟ مادران سنندجی را که فرزندان شان بوسیله همین "خوکها" به جرم "ضد انقلاب" به زندانها افکنده میشوند خانواده‌های همسانی که خون پاک فرزندان شان که با افتخار و بنام پیشمرگه، بدست همین جنایتکاران بر زمین ریخته شده است و یا مردم حاجی آباد "گردی گرو" و... سنندج و "حما آبان" سفر و مردم مریوان را که به بهانه‌های مختلف مورد اذیت و آزار قرار داده اند را. برآستی که آنها بسیار احقند و حماقت آنها نیز باهون "جاشی یعنی قابل علاج نیست حماقت آنها طبقاتی بوده و بیستی

حزب دمکرات در دفاع از مالکان

اخیراً حزب دمکرات در روستای عزیزکنند دست به خلع سلاح پیشمرگان را مکارگر زد. بعد از این اقدام حزب دمکرات در اطلاعیه ای بتاريخ ۵۹/۸/۲۲ به امضای تشکیلات مهاباد خود، اخطار کرد که بعد از این اقدامات اجرائی کلیه سازمانها و گروهها و افراد متفرقه جلوی گیری خواهد کرد.

عمل حزب دمکرات و اطلاعیه‌ای که بدنیان آن صادر کرده است بیانگر این واقعیت است که حزب از مابازمطبقاتی و آگاهی تودمه‌ها و حرکت آنها در جهت کسب منافع طبقاتی خود به وحشت و هراس افتاده است. حزب دمکرات در روستای عزیزکنند به این بهانه دست به خلع سلاح پیشمرگان را مکارگر زد است که آنها در مصادره زمینهای آریا شده به تودمه‌های روستای مذکور، کمک کرده‌اند. اطلاعیه بعدی و تهدید و خط و نشان کشیدنهای حزب نیز در توجیه و بیان این سیاست ضدیت با تودمه‌هاست حقیقت این است که حزب دمکرات که "رسالته دفاع از منافع بورژوازی و زمینداران کرد را برای خود قائل است، نمی‌تواند شاهد اوج گیری مبارزه - طبقاتی در کردستان و رشد و نفوذ نیروهای انقلابی باشد، چه نیک میدانند اوج گیری مبارزه طبقاتی، موجودیت خود "حزب" را به خطر می‌افکند و تودمه‌ها را نسبت به این حزب، که امروز تحت پوشش مسئله ملی و مبارزه برای خود مختاری ماهیت حقیقی خویش را

پنهان کرده است، خواهد ریخت از طرف دیگر اوضاع سیاسی کنونی به حزب امکان میدهد که تمایل خود را نسبت به اعمال حاکمیت بلا منازع و قدر قدرتی در کردستان پنهان نکند و در اطلاعیه می‌نویسد: هیچ اقدامی جز با اجازه یا مشورت حزب دمکرات کردستان ایران - مشروعیت اجرائی (!؟) نخواهد داشت. مسئولیت اقدامات جنجال انگیز و مخالفت با مفاد این اعلامیه بعهده فرد یا سازمان عمل کننده خواهد بود. به این ترتیب حزب دمکرات سیاست خود را در قبال تودمه‌ها و نیروهای انقلابی صراحت می‌گوید: تودمه‌ها حق ندارند به مبارزه طبقاتی بپردازند (!) و در جهت کسب منافع طبقاتی خود دست به مصادره اموال مالکان و زمیندارانی بزنند که سالهای سال خون آنها را در شیشه ریخته‌اند. واقعیت این است که بررسی عملکردها و سیاست حزب در طول جنبش مقاومت نشان میدهد که این اولین و آخرین حرکت حزب نبوده بلکه نوعی از سلسله زورگوئیها و اجحافات است که بر تودمه‌ها خلق کرد و بویژه بر زحمتکشان روانیستاد دارد. سیستم مالیات گیری حزب که با آزار و اذیت تودمه‌های فقیر روستاها اعمال میشود، و آنها را وامیدار تا به ازا هر خرید و فروش به حزب مالیات و باج بپردازند، امروز در بسیاری از نقاط کردستان کسبه حزب حضور دارد، بصورت يك امر عادی درآمد است (در منطقه اشنویه و سردشت بویژه مابعد این زورگوئیها بسیار شدید است) لیکن حزب با این اعمال خود، تیشه به ریشه خود می‌زند. چه توده‌های

انقلابی به هیچ وجه حاضر نیستند قدمی به عقب گذاشته و از منافع طبقاتی خود دست بردارند. مبارزه خلق کرد فقط مبارزه ملی نیست بلکه همچنین مبارزه‌ای است در جهت نابودی ستم طبقاتی، نیروهای انقلابی و کمونیستها و وظیفه دارند که مبارزه تودمه‌های خلق کرد را ارتقا داده، سمت و سوی طبقاتی به مبارزه ملی بدهند. این وظیفه همیشگی کمونیستها بوده و هیچ نیروی قادر نیست آنها را در اجرای این وظایف مانع شود. حزب دمکرات نیز بیهوده میکوشد که با تهدید خلع سلاح و سیاست تهدید و ارعاب، نیروهای انقلابی و کمونیست را از این مهم بازدارد.

حزب در گوشه دیگری از اطلاعیه فوق می‌نویسد: سازمانها و گروه‌های سیاسی در انجام فعالیت‌های سیاسی خود کاملاً آزادند. (؟) و حزب دمکرات کردستان از تمام آزادیهای دمکراتیک دفاع خواهد نمود. اما مصادره اموال و دارائیهای مردم... از قدرت و صلاحیت سازمانها و گروهها خارج بوده و حزب دمکرات کردستان ایران این اعمال را در حد مخالفت و ایجاب تفرقه و آشوب در صفوف خلق به حساب می‌آورد.

مضحک است! اینطور نیست؟ حزب دمکرات از یک طرف خود را مدافع آزادیهای دمکراتیک می‌خواند از طرف دیگر کمونیستها را تهدید می‌کند، که حق ندارند، به تودمه‌ها در احقاق حقوقشان یاری رسانند، این دمکرات‌مآبسی حزب دمکرات قبل از اینکه نشانی از دمکراسی داشته باشد، بیانگر عوامفریبی آن است. رژیم جمهوری اسلامی نیز

مبارزه ملی از مبارزه طبقاتی جدا نیست

همین حرف را به انقلاب بیستون و کمونیستها میزند: آزادی بشری که تنها آن عملی را انجام دهید کمی میگویم: واقعیت اینست که در کردستان بعد از نزدیک به دو سال که از جنبش مقاومت میگذرد، مبارزه طبقاتی نیز به موازات مبارزه علیه رژیم به پیش میرود. هر چه مبارزه وسیع تر شد عمق بیشتری بیابد، حزب به ناگزیر، بمقابله بیشتری در برابر تودما کشیده خواهد شد نتیجه عملی آن نیز از هم اکنون روشن است: ارتقاء سطح آگاهی و مبارزاتی تودما، رشد نیروهای انقلابی و افراد حزب دمکرات. تصور این نتیجه برای حزب، وی را بعین فکر انداخته است که از سرنوشت محتوم خود جلو گیرد. اما آیا ادعای "حزب فراگیر" بودن می تواند ناجی حزب باشد؟ سازمان ما بعنوان بخشی از نیروهای فعال در جنبش مقاومت خلق کرد، وظیفه انقلابی خود میداند که عمل خلق سلاح پیش مرگان "راکارگر" توسط حزب - دمکرات را محکوم کرده و معتقد است که وظیفه کلیه نیروهای انقلابی است که با افشاء ناهیب و عملکرد های حزب دمکرات، و مقاومت در برابر تهدیدات آن از منافع خود منافع و انقلاب دفاع کرده، دستاوردهای جنبش مقاومت خلق کرد را ارتقاء دهند.

* لازم به توضیح است که محکوم کردن خلق سلاح پیشمرگان "راه کارگر" توسط حزب دمکرات نمی تواند به معنی دفاع از نظرات "راه کارگر" و آن سیاستی باشد که "راکارگر" به جنبش مقاومت ارائه میدهد و سرانجامی جز آشنی طبقاتی و اجتناب از مبارزه نیست. در همین شماره پیکار کردستان در مقاله "دفاع طلبان و جنبش مقاومت" ما بسا نظرات این رفقا برخورد کردیم.

سرمقاله

لحاظ نه تنها نمیتواند منافعی متضاد با منافع خلقها و توده های ستمدید ایران داشته باشد، بلکه اساسا خود مبلغ دوستی و میسر برادری خلقهای ایران است. بدیهی است که انجام چنین رسالتی نمیتواند بصورت موعظه های اخلاقی و یا استغاثه های مظلومانه باشد، بلکه سیاست مقاومت مسلحانه در برابر این حملات، افشاگری رژیم و تبلیغ برادری خلقها تنها و یگانه شیوه انقلابی است که میتواند به خود متگرفته شود.

در برابر این سیاست انقلابی، سیاست فرصت طلبانه حزب دمکرات قرار میگیرد. حزب دمکرات در برابر این قتل عامها چه میکند؟ او در روستاها به تبلیغ و تهییج خلق کرد بر علیه "ترکها" می پردازد، او توده های کرد را به انتقام جوئی دعوت میکند و خود دست به عمل متقابل میزند. حملات حزبیته شهرهای ارومیه، میاندوآب، نقده و روستاهای ترک نشین، نشان دهنده ناسیونالیسم افراطی و تنگ نظری است که نیاز موضع دفاع از خلقها بلکه از موضع دفاع از منافع بورژوازی دست به عمل متقابل میزند. هنگامی که حزب دمکرات علیه مخالفت اهالی روستای کرد نشین "رسول آباد" دست به حمله به روستای ترک نشین کرد مرش میزند، و در نتیجه حمله ۲ نفر از جمله یک زن بشهادت میرسد و شکوک خرد سال زخمی میشوند، میبایست در برابر خلق کرد پاسخگو باشد که چرا خون زحمتکشان ترک را بر زمین میریزد و همچنین باعث تفرقه میان خلقها شده و در نتیجه موجب تقویت ارتجاع میگردد.

حزب دمکرات بیهوده میکوشد خود را تحت پوشش شعار عوام فریبانه خود مختاری برای کردستان، دمکراتی برای ایران، ببوشاند. کجای این

اعمال حزب دمکرات میتواند نشانی از دموکراسی برای خلقهای ایران داشته باشد؟ مقصود اساسی حزب دمکرات، از چنین حرکاتی تنها برانگیختن و استفاده از احساسات توده های کسب و کار در جهت کسب اعتبار و ایجاد توهم نسبت به خود در توده های عقب مانده خلق کرد است. حزب دمکرات نه فقط به این وسیله مبلغ دشمنی خلقها و پراکندگی صفوف مبارزاتی آنان میگردد بلکه مرز عادلانه نمودن جنبش مقاومت را درازان تودما میخشد و میسازد و به بلندگوهای رژیم امکان میدهد باران توهین و سیل افترا را بر علیه اهداف جنبش مقاومت جاری سازند. روشن است که این حرکت حزب دمکرات مورد تایید تودما و نیروهای انقلابی جنبش مقاومت نبود و محکوم است. اگر چه این سیاست سرکوب و قتل عام رژیم جمهوری اسلامی است که زمینه ساز حرکات و اعمال حزب دمکرات میباشد که بهیچ وجه در جهت منافع خلق کرد نبود، بلکه بر علیه آن بکار میرود. کشتارهای اخیر که بوسیله عوامل رژیم در منطقه صورت میگیرد، مورد تنفر و انزجار تودما بود و از طرف زحمتکشان ترک با حرکات اعتراضی مورد مخالفت قرار میگیرد. در هفته های گذشته تجمع مردم میاندوآب در برابر کمیته های شهرو ابراز مخالفت و اعتراض به سرکوب خلق کرد و تهاجم به روستاها و همچنین مخالفت بخشی از مردم ارومیه با اعمال "ملاحسنی"، خود حکایت از عدم توافق تودما و اعتراض آنها نسبت به این جنایت است.

اخیرا نمایندگان شوراهای روستا های ترک نشین منطقه سلدوز دست به اقدامی انقلابی زد مانند آنها به روستا های کرد نشین رفت و از زحمتکشان کرد خواستند که از هر دو طرف مانع حمله روستاها و قتل عام سوزان

خانه و کاشانه زحمتکشان گسردند مردم روستای رسول آباد نیز به هنگام حمله حزب دمکرات به گرد مرمن با این حرکت مخالفت کرده و چون حزب نسبت به اعتراض تودهای توجه بوده به ناگزیر به ترک روستا دستزده اند. این سری از حرکات تودهای نشک دهنده، خشم و نفرت تودهای ترک و کرد از این جنایات و کشتارهاست که زحمتکشان منطقه را در برابر هم قرار میدهد.

اخبار رسیده همچنین حکایت از مقاومت مسلحانه روستائیان گانی سپی گیلی، گنده قولان و ۰۰۰ در برابر نیروهای سرکوبگر رژیم دارد. مثلا در روستای گیلی واقع در ۲-۳ کیلومتری جنوب جاده جلدیان - گردکشان به هنگام حمله نیروهای مهاجم رژیم ابتدا زنها و کودکان را از روستا خارج و سپس دست به مقاومت میزنند که مهاجمین در اثر مقاومت دلورانه روستائیان و پیشمرگان وادار به عقبنشینی میشوند.

مقاومت مسلحانه زحمتکشان روستاهای فوق نشاندهند ماین واقعیت است که رشد و گسترش جنبش مقاومت ابعاد وسیع تودهای یافته است و تودهای خود را به ضرورت دفاع از منافع و حقوق خود و امید دارد. این مقاومت تودهای میبایست از طرف نیروهای انقلابی مورد توجه قرار گرفته و موجب تلاش جهت ساز ماندن مقاومت مسلحانه توده ای گردد. به سیاست کمونیستها در برابر این قتل عام زحمتکشان کرد توسط عمال رژیم چه باید باشد؟ قبل از هر چیز کار تبلیغی - توضیحی و افشاگرانه حول این جنایات رژیم و بر مبنای آراشه تاکتیک مقاومت تودهای تودهای، تسلیح و سازماندهی تودهاست.

مادر جولهما، درس خنرانی و کار تودهای خود ماهیت این کشتارها را که بدست عمال جنایتکار رژیم چون ملاحسنی ها و معبودی ها صورت می

گیرد را افشا میکنیم و به تودها اخبار و ابعاد این جنایات و کشتارها توضیح میدهیم که عکس العمل حزب را که بی شک در تاریخ ثبت خواهد شد هر دمکرات که از موضع ناسیونالیستی و جوسوسیتر به گوش سایر خلقهای ایران مخالف منافع خلق کرد صورت میگیرد رسانده. اهدا فرژیم را از این جنایات آب به آسیاب دشمن میریزد و آتش آشکار ساخته، خشم و نفرت تودها کینه و نفرت خلقهای ترک و کرد را را بر علیه هیئت حاکمه و عاملین آن بر- دامن میزند. و اضافه میکنیم که انگیزند

این جنایات رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی است که زمینه ساز اعمال فرصت طلبانه و صد انقلابی حزب - دمکرات میگردد.

لیکن افشاگری به تنهایی کافی نیست میبایستنه فقط تودها را به مقاومت تشویق کرد بلکه عملا به سازماندهی و تسلیح تودها، بویژه در مناطقی که در معرض تهاجم دارو دسته های مرتجع هستند پرداخت.

از نظر سازماندهی مقاومت تودهای شوراهای ده، مناسبترین شکل سازمان برای مقاومت تودهای در روستاهاست. شورای ده تحت هدایت و رهبری پیشمرگان انقلابی جنبش مقاومت میتواند ضمن تسلیح خود برای پیشگیری و تامین امنیت لازم، محلهای امن برای حفاظت احشام و ۰۰۰ را سازمان دهند. مثلا در جریان هجوم سرکوبگران به روستای رسول آباد اگر قبلا تدارک وسایل حمل و نقل از رودخانه دیده شده بود، از تعداد تلفات زحمتکشان کاسته میشد.

به هنگام درگیری با مزدوران رژیم پیشمرگان و شوراهای مسلح سایر روستاها موظف هستند که به کمک روستاهای مورد تهاجم بشتابند و در جریان خسارات وارد کمک نمایند از سری دیگر برای اینکه تودها زحمتکشان سراسر ایران ماهیت جنایات این رژیم را که امروزه در پوشش جارو جحان جنگبار عراق، در کردستان صورت میگیرد بهتر بشناسند برای اینکه ماهیت ارتجاعی هیئت حاکمه و جنگ ایران و عراق را بر ملا ساخته و برده توهم تودها را درید کمونیستها و نیروهای انقلابی موظفند که

دفاع غلیان و سخن سمت اصلی مبارزه ضربه) نمی تواند جغرافیایی تعیین شود: در یک منطقه علیه رژیم عراق و در یک منطقه علیه رژیم جمهوری اسلامی. این تناقض است که با حفظ موضع دفاع طلبی، در عمل همانطور که گفتیم به نتیجهای میرسد که سازمان چریکها (اکثریت) رسید اینست نتیجه منطقی و عملی "دفاع طلبی" در جنبش خلق کرد اینجاست که گرایشات و مواضع تند روی بیونیستی پوسته مارکسیستی خود را می شکند و در پهنه نظری و عملی به منصف ظهور می رسند.

* توجه به دفاع از شوراهای فرمایشی اسلامی بعنوان نطفه - های شوراهای لنینی (مقاله در کجا ایستادیم" راه کارگر - شماره ۲۸) در گذشته و آرائه شعار "افزایش تولید در شرایط جنگ ایران و عراق، توسط راه کارگر" مسئله را با زهم روشنتر می سازد. در مورد شعار اخیر و مفهوم آن مراجعه کنید به شماره های ۸۱ و ۸۲ "پیکار" مقاله "افزایش تولید در جنگ ارتجاعی شعاری در خدمت طبقه سرمایه دار" نقل قولهای داخل گیومه از جزوه "جنگ افروزی های هیئت حاکمه در کردستان به نفع کیست" راه کارگر کردستان.

** لازم به توضیح است که "دفاع طلبی" راه کارگر بشدت به ایده های سوسیال شونیستی آغشته است و وجوه اشتراک بسیاری با آنها دارد.

**در مقابل یورش ارتش و پاسداران و جاشها
زحمتکشان "سیدآباد" لاجین و "آیندرقاش" مسلحانه ایستادند**

هینت حاکمه غد خلق همچنان به سیاست قتل عام زحمتکشان کرد ادامه میدهد و هرروز شاهد نمودن های جدیدی از پهاد مکردن این سیاست جنایتکارانه هستیم. سیاستی که یکبار دیگر پرده از چهره مکره حکومت "مدافع مستضعفین" بر- میدارد و ماهیت ضد مردمی آنرا به نمایش می گذارد. این یک جنبه از واقعیت است، جنبه دیگر آن مقاومت و پایداری زحمتکشان کرد است که در مقابل این همه وحشیگری و سرکوب خونین تسلیم نشده و قهرمانانه به دفاع از هستی و زندگی خود برخاسته اند. خلق کرد بدرستی دریافته است که تنها با ادامه مقاومت و پیشبرد مبارزه انقلابی است که می توان به مقابله با مزدوران رژیم پرداخت و مانع از تکرار فجایع و قتل عامها بدست جلادان رژیم جمهوری اسلامی گردید.

و یکبارچ مردم روستاها و پیشمرگان روبرو شدند. در ایستادن درگیری ها که حدود ۱۲ ساعت بطول انجامید مردم قهرمانانه به دفاع از خویش پرداخته و به کمک پیشمرگان نیروهای سرکوبگر را به عقب راندند. مزدوران رژیم نه تنها نتوانستند وارد روستاها شوند بلکه با دادن تلفات زیاد مجبور به بازگشت به مهاباد شدند. نیروهای ضد خلق ناتوان از درهم شکستن اراده مردم پیشمرگان در هنگام عقب نشینی با پرتاب خمپاره از تپه "دانشامجید" (تپه مشرف بر شهر مهاباد) بسوی مناطق مسکونی اطراف شهر ۳۰ خانه مسکونی را در محله "مجبور آباد" ویران کردند.

طبق اخبار موجود در مقابله مردم و پیشمرگان در روستاهای فوق بانبروهای سرکوبگر رژیم نشان نفر ارتشی به هلاکت رسیدند و یک پیشمرک دمکرات بنام "مصطفی" به شهادت رسید. در این جریان همچنین ۲ پیشمرک و ۲ نفر اهالی سید آباد زخمی گردیدند.

بمابین ترتیب مقاومت و پایداری مردم نه تنها باعث شد قتل عامهای آیندرقاش و... تکرار نشد، بلکه برعکس ضربات مهمی بر خود مزدوران رژیم نیز وارد آمد. علاوه بر این مقاومت دلاورانه نشان داد که زحمتکشان کرد در مقابل هجوم نیروهای سرکوبگر رژیم تنها با ریزان اسلحه می توانستند سخن گویند. این نمونه و بسیاری نمونه های دیگر نه تنها یکبار دیگر ماهیت خیانتکارانه شعار "صلح عادلانه" سازمان چریکها (اکثریت) را بر ملا می سازد، بلکه همچنین ماهیت شعارهای انحرافی نیروها می چون "آغا کارگر و ژرمندگان" که از رژیم قاضای آتش میس میکنند و به آن بندواند رژیم دهند را بخوبی عیان می سازد. زیرا اگر مردم روستاهای سیدآباد و... می خواستند صحبت آنها گوش کنند و بدوشیوه ای که آنها میگویند عمل کنند اکنون شاهد "قارناهای دیگری بودیم".

* برای توضیح بیشتر به سرمقاله همین شماره مراجعه نمایید.



متن زیر گزارش مختصری است از مقاومت قهرمانانه مردم روستای سیدآباد، لاجین و آیندر- قاش (که همین چند روز قبل ۱۶ نفر از مردم آن توسط مزدوران رژیم قتل عام شدند) این گزارش بیانگر تسلیم ناپذیری و اراده خلق نا بدیر زحمتکشان در مبارزه برای رهایی از زیر یوغ هرگونه ستم و استثمار است. جریان واقعه به این ترتیب بود که در روز ۱۳ / ۹ / ۵۹ ساعت ۸ صبح ستونهایی از نیروهای ارتشی، پاسداران و جاشها برای - به اصطلاح پاکسازی و در واقع برای سرکوب و کشتار مردم روستا از مهاباد بطرف دهات سیدآباد لاجین و آیندرقاش حرکت کردند. ولسی در هر ۳ روستا با مقاومت دلیرانه